مردم سالاری

روزنامه اجتماعی- سیاسی- فرهنگی و اقتصادی

صاحب امتیاز: حزب مردم سالاری
مدیرمسئول: مصطفی کواکبیان

نشانی اینترنتی: www.mardomsalari.net
نشانی تلگرام: mardomsalaridaily
نشانی اینستاگرام: mardomsalaridaily1
آدرس تحریریه: اتوبان شیخ‌فضل‌الله نوری شمال به جنوب
خروجی خیابان سازمان آب - خیابان حاجی‌پور امیر - کوچه چهارده - پلاک ۱
تلفن: ۲۹- ۸۸۲۸۸۲۲۶
فکس: ۸۸۲۶۳۰۹۴
رتبه روزنامه: ۳
چاپ: نشر ریحان- تلفن: ۶۵۶۰۷۹۱۷

اذان صبح: ۵/۱۱ طلوع آفتاب: ۶/۳۹ اذان‌ظهر: ۱۱/۴۹ اذان مغرب: ۱۷/۱۷
دوشنبه ۲۴ آبان ۱۴۰۰-۹ ربیع‌الثانی ۱۴۴۳ -۱۵ نوامبر ۲۰۲۱- شماره ۵۵۷۸

فناوری

تحویل خودروهای الکتریکی تسلا بدون درگاه USB!

شرکت خودروسازی تسلا به دلیل کمبود تراشه، برخی از خودروهای الکتریکی خود را بدون درگاه USB به مشتریان تحویل می‌دهد و مشتریان تنها زمانی متوجه این موضوع می‌شوند که خودروی خود را تحویل می‌گیرند.
به گزارش ایسنا و به نقل از انگجت، تسلا ممکن است برخلاف موضوع کمبود تراشه همچنان به تولید و پیشرفت خود ادامه دهد، اما ظاهراً این کاستی‌ها بر خودروهایی که به مشتریان تحویل می‌دهد، تأثیر گذاشته است. چرا که به تازگی پایگاه Electrekمتوجه شده است که بسیاری از خریداران تسلا مدل ۳ و مدل Y خودروهای برقی خود را بدون درگاه USB-C در کنسول مرکزی یا قسمت‌های صندلی عقب دریافت می‌کنند.
برخی از مشتریان گفته‌اند که چنین چیزی از قبل به آنها هشدار داده شده بود، اما برخی دیگر از مشتریان تنها زمانی متوجه این موضوع شدند که خودروهای خود را به خانه برده‌اند.
کارشناسان تحویل و سایر اعضای تسلا، عدم وجود درگاه‌های USB را به خاطر کمبود تراشه دانسته‌اند.
به برخی از مشتریان گفته شده است که تسلا این درگاه‌های گمشده را در ماه دسامبر روی این خودروها نصب خواهد کرد، اما مشخص نیست که آیا این امکان برای همه مالکانی که خودروهای آنها بدون درگاه تحویل داده شده است، فراهم می‌شود یا خیر. شرکت تسلا مدت‌ها است که به درخواست‌ها برای اظهار نظر پاسخ نمی‌دهد و گمان می‌رود تیم روابط عمومی خود را منحل کرده است.
این اولین باری نیست که شرکت‌های خودروسازی، خودروهای خود را ناقص و بدون برخی قطعات به مشتریان تحویل می‌دهند. به عنوان مثال شرکت بی‌ام‌و اخیراً صفحه نمایش لمسی را از برخی مدل‌های خود حذف کرده است.
با این حال، این مشکل می‌تواند خریداران این دسته از خودروهای تسلا را ناراحت کند، چرا که عدم وجود درگاه‌های USB نه تنها اتصال، بلکه شارژ بی‌سیم را نیز مختل می‌کند. همچنین ممکن است مشتریان بالقوه تسلا را نگران کند، زیرا گمان می‌رود که شاید تسلا کیفیت را فدای دستیابی به اهداف تحویل سه ماهه خود کند.

فیلم بازی

مانیبال

مانیبال فیلمی آمریکایی در ژانر زندگی‌نامه‌ای، ورزشی و درام است که توسط بنت میلر کارگردانی و توسط کلمبیا پیکچرز منتشر شده است. داستان فیلم بر پایه کتابی با همین نام نوشته مایکل لوییز نوشته شده است. فیلم در مورد مدیر یک تیم ورزشی بیسبال با مربی گری فردی به نام بیلی بین با بازی برد پیت است.
مانیبال یک روایت واقعی از بیلی بین (با بازی برد پیت) مدیر ناموفق یک تیم بیسبال است. بیلی بین مدیر تیم بیسبال اوکلند اتلتیک است و تیمش نتایج بسیار ضعیفی را کسب کرده است و دو تن از بهترین بازیکنان خود را به خاطر همین مشکلات از دست میدهد به خاطر همین موضوع تیم اوکلند اتلتیک در آستانه فروپاشی قرار گرفته است اما بیلی بین که در سن جوانی با یک اشتباه ورزش بیسبال رو انتخاب کرده است راه بازگشتی را نمی‌بیند ...

روزنامه‌بازی

روزنامه مردم‌سالاری – ۲۴ آبان ۱۳۹۱

عکس روز مردم‌سالاری، عکسی خبری بود از زلزله زدگان اهر که علی رغم گذشت بیش از ۳ ماه از زلزله و با وجود قول‌هایی که دولت احمدی نژاد داده بود، در جادر زندگی می‌کردند.
در توضیح این عکس آمده بود: برف زمستانی مناطق زلزله زده آذربایجان را سفید پوش کرد و عدم تحقق وعده مسئولان مبنی بر تامین مسکن برای زلزله زدگان آذربایجان، باعث شده تا مردم این مناطق با سرمای زیر صفر درجه این مناطق دست و پنجه نرم می‌کنند. همزمان با این خبر، رسانه‌ها نوشتند که محمد رضا رحیمی معاون اول احمدی نژاد خطاب به علی نیکزاد وزیر راه و شهر سازی گفت که تو بی‌نظیری!

چهره‌ها

سید محمدحسین طباطبایی؛ عارف، حکیم و مفسر قرآن

سید محمدحسین قاضی طباطبایی تبریزی، معروف به علامه طباطبایی (زاده ۱۲۸۱ خورشیدی در تبریز، درگذشته ۲۴ آبان ۱۳۶۰ در قم) نویسنده تفسیر المیزان، فقیه، فیلسوف، عارف، حکیم و مفسر قرآن شیعه ایرانی است. اهمیت وی به جهت زنده کردن حکمت و فلسفه و تفسیر در حوزه‌های تشیع بعد از دوره صفویه بوده‌است. به ویژه اینکه وی به بازگویی و شرح حکمت صدرایی بسنده نکرده، به تأسیس معرفت‌شناسی در این مکتب می‌پردازد. همچنین با انتشار کتب فراوان و تربیت شاگردان برجسته در دوران مواجهه با اندیشه‌های غربی نظیر مارکسیسم به اندیشه دینی حیاتی دوباره بخشیده، حتی در نشر آن در مغرب زمین نیز می‌کوشد. علامه طباطبایی دو اثر شاخص دارد، که بیشتر از سایر آثار وی مورد توجه قرار گرفته‌است.
نخست تفسیر المیزان است، که در ۲۰ جلد و طی ۲۰ سال به زبان عربی تألیف شده‌است. در این تفسیر، از روش «تفسیر قرآن به قرآن» استفاده شده‌است، و علاوه‌بر تفسیر آیات و بحث‌های لغوی در بخش‌هایی جداگانه با توجه به موضوع آیات مباحث روایی، تاریخی، کلامی، فلسفی و اجتماعی نیز دارد. این اثر به دو شکل منتشر شده‌است: نخست در چهل جلد، و سپس، در ۲۰ جلد. این اثر توسط سیدمحمد باقر موسوی همدانی به زبان فارسی ترجمه شده‌است. اثر مهم دیگر او اصول فلسفه و روش رئالیسم است. این کتاب شامل ۱۴ مقاله فلسفی است، که طی دهه‌های ۲۰ و ۳۰ شمسی تألیف شده و توسط مرتضی مطهری و با رویکرد فلسفهٔ تطبیقی شرح داده شده‌است. این کتاب نخستین، و یکی از مهم‌ترین کتاب‌هایی است که به بررسی مباحث فلسفی، با توجه به رویکردهای حکمت فلسفی اسلامی و فلسفه جدید غربی پرداخته‌است.

رهی معیری؛ شاعر

محمدحسن (بیوک) معیری (زاده ۱۰ اردیبهشت ۱۲۸۸ در تهران – درگذشته ۲۴ آبان ۱۳۴۷ در تهران) با تخلص رهی از غزلسرایان معاصر ایران و از ترانه‌سرایان و تصنیف‌سرایان به‌نام است. از ترانه‌های سروده شده توسط وی می‌توان «شد خزان»، «شب جدایی»، «کاروان» و «مرغ حق» را نام برد. اشعار او تحت تأثیر سعدی (که بیشترین تأثیر را در او گذاشته‌است)، حافظ، نظامی، صائب و مولوی است.
محمدحسن (بیوک) معیری فرزند محمدحسن‌خان مؤیدخلوت و نوه دوستعلی‌خان نظام‌الدوله در دهم اردیبهشت ۱۲۸۸ خورشیدی در تهران، گلشن چشم به جهان گشود. پدرش قبل از تولد رهی درگذشته بود. رهی معیری تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تهران به پایان برد؛ آنگاه وارد خدمت دولتی شد و در مشاغلی چند خدمت کرد. از سال ۱۳۲۲ به ریاست کل انتشارات و تبلیغات وزارت پیشه و هنر (بعداً وزارت صنایع) منصوب گردید. پس از بازنشستگی در کتابخانه سلطنتی اشتغال داشت.
رهی از اوان کودکی به شعر و موسیقی و نقاشی دلبستگی فراوان داشت و در این هنرها بهره‌ای بسزا یافت. هفده سال بیش نداشت که اولین رباعی خود را سرود:

کاش امشبم آن شمع طرب می‌آمد — وین روز مفارقت به شب می‌آمد
آن لب که چو جان ماست دور از لب ماست — ای کاش که جانِ ما به لب می‌آمد

در آغاز شاعری، در انجمن ادبی حکیم نظامی که به ریاست وحید دستگردی تشکیل می‌شد شرکت جست و از اعضای مؤثر و فعال آن بود و نیز در انجمن ادبی فرهنگستان از اعضای مؤسس و برجسته آن به‌شمار می‌رفت. وی همچنین در انجمن موسیقی ایران عضویت داشت. اشعار رهی در بیشتر روزنامه‌ها و مجلات ادبی نشر یافت و آثار سیاسی، فکاهی و انتقادی او در روزنامه باباشمل و مجله تهران مصور چاپ می‌شد. در شعرهای فکاهی و انتقادی از نام مستعار «زاغچه»، «شاه پریون»، «گوشه‌گیر» و «حق گو» استفاده می‌کرد. رهی معیری در سال‌های آخر عمر در برنامه گل‌های رنگارنگ رادیو، در انتخاب شعر با داوود پیرنیا همکاری داشت و پس از او نیز تا پایان زندگی آن برنامه را سرپرستی می‌کرد. رهی در همان سال‌ها سفرهایی به خارج از ایران داشت از جمله: سفر به ترکیه در سال ۱۳۳۶، سفر به اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۳۳۷ برای شرکت در جشن انقلاب کبیر، سفر به ایتالیا و فرانسه در سال ۱۳۳۸ و دو بار سفر به افغانستان، یک بار در سال ۱۳۴۱ برای شرکت در مراسم یادبود نهصدمین سال درگذشت خواجه عبدالله انصاری و دیگر در سال ۱۳۴۵. عزیمت به انگلستان در سال ۱۳۴۶ برای عمل جراحی، آخرین سفر معیری بود.
رهی معیری در سال ۱۳۴۷ خورشیدی در تهران بر اثر بیماری‌ای که تاب و توان از وی گرفته بود در ۵۹ سالگی درگذشت. وی در گورستان ظهیرالدوله شمیران مدفون گردیده است.

طرح روز

پیام پورفلاح

تابلوی ورود به اصفهان عوض شد!

پیشنهاد

جواد لگزیان

یاد مرکب‌ها

با کتاب امروز برای دیداری صمیمی با شاعران باید به سرزمین نقاشی‌ها برویم تا از رهگذر نقش‌ها به معنا برسیم. «یاد مرکب‌ها» ردِ پای تفکر و صورتِ اندیشه تاریخ معاصر ایران است در قالب شناسایی برجسته‌ترینِ نام‌ها و چهره‌ها در عرصه‌های فرهنگی و هنری، متشکل از چند مجموعه شاملِ: شاعران، موسیقی‌دانان، نویسندگان و چهره‌های شاخص در حوزه تجسمی، بالغ بر ۵۰۰ اثر (پرتره).
این مجموعه بخش شاعران معاصر را از آغازِ تاریخ مشروطه تا سالِ ۱۳۵۷ خورشیدی مرور و معرفی می‌کند. این پروژه حاصل حدود ۱۰ سال تلاش است که با وسواس و دقت بسیار در انتخاب پرتره‌ها صورت گرفت و بیش از این‌که یک اثر پرتره باشد در شبیه‌سازی، به لحاظ تکنیکی سعی در معرفی لایه‌های درونی‌تر و روان‌شناختی هر چهره دارد تا بیانگر عواطف و پردازش آن‌سوی شخصیت هر شخص باشد. این پرتره‌های زیبا کار به یاد ماندنی امیر محمد قاسمی‌زاده است.
امیر محمد قاسمی‌زاده، نقاش، مجسمه‌ساز، نویسنده و مستندساز، متولد اول تیرماه ۱۳۵۸ در تهران است. تحصیلات وی در حوزه هنرهای تجسمی است و دانش‌آموخته نقاشی از دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد است. در کارنامه این نقاش شاهد برپایی نمایشگاهی از نقاشی‌های او با عنوان یاد بامداد که شامل پرتره‌هایی از احمد شاملو بر اساس شعرهایش بود، هستیم. او کل این مجموعه را به آیدا سرکیسیان اهدا کرد. نقاشی‌های این مجموعه در قالب کتابی نیز با عنوان «یاد بامداد» در قالب ویژه نامه مجله گوهران نیز منتشر شده است. کتاب نفیس و دیدنی یاد مرکب‌ها مجموعه ی نقاشیِ پرتره هایی ساخته با تکنیک آب و مرکب اثر امیر محمد قاسمی‌زاده را نشر کتاب آمه رهسپار بازار کتاب کرده است.

دانستنی‌ها

افزایش طول عمر با حذف آهن اضافی!

پژوهشگران آمریکایی در بررسی جدیدی نشان داده‌اند که انباشته شدن آهن اضافی در بدن می‌تواند عامل پیری و بروز بیماری‌های مرتبط با افزایش سن باشد.
به گزارش ایسنا و به نقل از هلث زیپ، پژوهش جدیدی نشان می‌دهد که آهن، یک عنصر ضروری برای همه موجودات زنده است اما واکنش‌پذیری آن موجب می‌شود که ضررهایی داشته باشد. جلوگیری از جذب آهن اضافی با کمک دارو یا محصولات طبیعی می‌تواند طول عمر را افزایش دهد.
دکتر دنیس مگان (Dennis Mangan)، پژوهشگر شرکت MTOR LLC در کالیفرنیا گفت: همه شکل‌های حیات، به عنصر آهن به عنوان جزئی از سیستم‌های بیوشیمیایی خود نیاز دارند. آهن برای تولید آدنوزین تری فسفات (ATP) در میتوکندری، سیتوکروم‌ها، هموگلوبین و بسیاری از کاربردهای دیگر مورد استفاده قرار می‌گیرد.
آهن برای رشد و حفظ ارگانیسم‌ها ضروری است؛ بنابراین همه موجودات زنده، از باکتری‌ها و جلبک‌ها گرفته تا پستانداران، روشی را برای جمع‌آوری آهن از محیط خود و ذخیره آن ایجاد کرده‌اند. اهمیت آهن در زندگی نشان می‌دهد که آهن ممکن است در پیری نقش داشته باشد.
بیشتر موجودات زنده، از جمله انسان، هیچ روش منظمی برای رها شدن از آهن اضافی ندارند. مشکلی که موجودات زنده برای استفاده از آهن در سیستم‌های بیولوژیکی با آن مواجه هستند، محافظت از سلول‌ها در برابر آسیب آهن است.
همان ویژگی آهن که آن را مفید می‌کند، یعنی توانایی آن در پذیرش یا اهدای الکترون، می‌تواند توانایی آسیب رساندن به مولکول‌ها و اندامک‌ها را از طریق واکنش فنتون (Fenton) برای آن فراهم کند. طی واکنش فنتون، آهن با هیدروژن پراکسید واکنش نشان می‌دهد و به تشکیل مواد بسیار واکنش‌پذیر منجر می‌شود.
از نظر تئوری، پروتئین‌های ذخیره شده باید برای محافظت از اندامک‌ها و درشت‌مولکول‌ها در برابر واکنش‌پذیری آهن کافی باشند اما در عمل، ممکن است فرآیند دیگری مهمتر شود. این فرآیند، اختلال در تنظیم آهن است که طی آن، پروتئین‌های ذخیره مانند فریتین (Ferritin) می‌توانند آسیب ببینند. این موضوع، به نشت آهن اضافی منجر می‌شود که می‌تواند با ساختارهای سلولی واکنش نشان دهد و آسیب اندام‌ها و زوال مرتبط با پیری را به همراه داشته باشد.
پژوهشگران به این نتیجه رسیدند که آهن، بسیاری از شرایطی را دارد که ممکن است آنها را در یک ماده جهانی عامل پیری جستجو کنیم. آهن با افزایش سن انباشته می‌شود و با بسیاری از بیماری‌های مرتبط با افزایش سن مانند بیماری‌های قلبی-عروقی، سرطان و آلزایمر مرتبط است. حذف آهن از پلاسما ممکن است جوان‌کننده باشد و افرادی که خون اهدا می‌کنند، میزان مرگ و میر کمتری دارند. آهن، ارتباط نزدیکی با پیری دارد و کنترل ذخایر آهن بدن ممکن است راه مهمی برای افزایش طول عمر انسان باشد.

قاب

خبرگزاری فرانسه

شیر دادن به یک بچه یوزپلنگ در مرکز نگهداری یوزپلنگ در سومالی

نگاه

بهاره رهنما و مشکل اعتماد به نفس

محدثه واعظی‌پور

اظهار نظر تازه بهاره رهنما در اینستاگرام با موجی از انتقاد همراه شده است.
شخصیت آدم‌ها از حرفه‌شان جدا نیست. در یک مسیر طولانی و مستمر، افراد شبیه شغلشان می‌شوند و آنهایی که قادرند، شغلشان را به اندازه شخصیتشان بالا یا پایین می‌آورند. روزنامه‌نویس‌ها و خبرنگارهایی که با بعضی نهادها و ارگان‌ها یا افراد زد و بند مالی دارند، وظیفه اصلی خود که فاصله گرفتن از منفعت فردی و احقاق حقوق دیگران است نادیده می‌گیرند و به شیپور تبلیغاتی تبدیل می‌شوند. دلال‌های فوتبال، بازیکن بی‌کیفیت را به تیم‌ها قالب می‌کنند. تهیه‌کننده‌های سطح پایین، زنان و مردانی که در شبکه‌های اجتماعی ابراز وجود کرده و با لودگی فالوئر جمع می‌کنند، یا اعضای خانواده‌شان را به عنوان بازیگر مقابل دوربین می‌آورند و نتیجه این که همه پدیده‌ها از اصالتشان دور می‌شوند. بازیگرهایی که به هر قیمتی دوست دارند جلوه‌گری و فخرفروشی کنند، ثانیه‌ای را برای دیده شدن و ابراز وجود از دست نمی‌دهند.
زمانی خانواده‌های فرهنگی شان و منزلتی داشتند، مهم نبود وضعیت مالی‌شان مثل خانواده‌های متمول نیست اما همین که خاستگاه فرهنگی داشتند، شایسته احترام بودند. داشتن دانش و اخلاق، برگ برنده‌ای بود که در هر شکلی و بین اغلب اقشار، به آن توجه می‌شد. اما امروز آنچه در همه مناسبات حرف اول را می‌زند پول است. این روزها، قاعده بازی عوض شده است. شبکه‌های اجتماعی با خودشان فرهنگی آورده‌اند که می‌توان تجلی و نمودش را در شئون مختلف دید. این دوربین‌ها و لایک‌ها به بسیاری، اعتماد به نفس داده است. آنهایی که در شرایط عادی و بدون شبکه‌های اجتماعی دیده نمی‌شدند و ابزار و نشانه‌ای برای دیده شدن نداشتند، حالا به شهرت می‌رسند.
این گروه جمله «بدنامی بهتر از گمنامی است» را عینیت بخشیده‌اند و با اعمال و رفتارهای دور از ادب، منطق و گاه انسانیت، بیننده را متحیر می‌کنند. نمایش ثروت و خوشبختی ظاهری، بخش مهمی از اتفاقی است که در شبکه‌های اجتماعی هر روز و با قدرت تکرار می‌شود و مشتری دارد. در این آشفته بازار، اغلب بازیگران سینما و تلویزیون عزمی جدی برای خودنمایی و فضل‌فروشی دارند و خستگی ناپذیر در حال نمایش خود و زندگی خصوصی‌شان هستند.
بهاره رهنما به اعتراف خودش سی سال است کار می‌کند. او در دهه هفتاد با «افعی» (محمدرضا اعلامی) و «عاشقانه» (علیرضا داوودنژاد) به شهرت رسید و به واسطه ظاهرش خیلی زود دیده شد.
در سال‌های جوانی، بسیار بیشتر از بسیار زنان و مردان مستعد ایرانی فرصت دیده شدن داشت، اما گویا آن دیده شدن‌ها، به اندازه سخنرانی‌ها و اظهار نظرهایش در اینستاگرام اهمیت و جذابیت نداشته است.
رهنما، در کارنامه‌اش نقش‌آفرینی خوب هم دارد، تلاش‌هایش در تئاتر ستودنی است و این که کوشید از یک بازیگر درجه دو تلویزیونی به بازیگر، نویسنده و کارگردان تبدیل شود قابل احترام است. کمتر کسی به یاد دارد که سال ۸۴ در نمایش «پنجره‌ها» (فرهاد آئیش) روی صحنه تئاتر شهر نشان داد بازیگر مستعدی است و شاید همه فراموش کرده‌اند در نمایش «چشم‌هایی که مال توست» حضوری دلنشین داشت و روایتگر عشق و رنج‌های زنانه بود.
با این همه، شبکه‌های اجتماعی و میل روز افزون به دیده شدن، اظهار نظر و راهنمایی ابنای بشر بارها کار دست رهنما داده است. اظهار نظر اخیر او که از اعتماد به نفس کاذبش حکایت دارد، نشان می‌دهد خانم نویسنده، بازیگر و کارگردان، هنوز انسان و زندگی را نمی‌شناسد و برخوردش با مسائل، کودکانه و پیش پا افتاده است. هنرمندانی تکرار نشدنی، شاعران بزرگ و نویسندگانی معتبر در سراسر جهان، زندگی‌شان را در فقر و گرفتاری گذرانده‌اند، اما آثارشان باقی مانده و نمی‌توان این زندگی خارج از قاعده و ناهمسو با عرف جامعه را تکذیب کرد و دستاوردهای این چهره‌ها را نادیده گرفت. جدا از این، مردان و زنان شریفی در سراسر این کشور زندگی می‌کنند که طوفان حوادث و بلاها، مسیر زندگی‌شان را به سمت فقر و ناداری برده، همه آنها ناتوان و بی‌دست و پا نبوده‌اند.
رهنما می‌توانست در آن ویدیوی اینستاگرامی، دلایل موفقیت خود، استفاده درست و به موقع از روابط و دوستی‌هایش را برای علاقه‌مندان بازیگری بیان کند، او آنقدر باتجربه، باهوش و آگاه نیست که درباره همه مردم نسخه بپیچد، آنهم در شرایطی که بسیاری از اقشار جامعه با سختی روز را به شب می‌رسانند. کاش رهنما در بخشی از این ویدیو از اقبال و بخت خوب خود و خانواده‌اش صحبت می‌کرد. همه مردم این بخت را ندارند که مثل مادر محترم او، به واسطه دختر بازیگر یا داماد نویسنده‌شان در میانسالی مقابل دوربین بروند و آنقدر آزمون و خطا کنند که به بازیگر تبدیل شوند.
آدم گاهی آرزو می‌کند کاش شبکه‌های اجتماعی نبودند و چهره‌های مشهور و محبوب دور از دسترس بودند، گمان می‌کردیم شبیه نقش‌هایشان هستند، از جنس مصاحبه‌ها و ادعاهایشان درباره مردم دوستی و توجه به هنر و فرهنگ. اما شبکه‌های اجتماعی متولد شدند و نقاب‌ها از چهره‌ها افتاده است...